

ویژگی‌های شرق‌شناسانه نگاه لرد کرزن به ایران

* جلیل دارا

E-mail: j.dara@modares.ac.ir

** محمد بابامیر ساطعی

E-mail: m.babamirm@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۹

چکیده

بررسی متن‌های تاریخی نشان می‌دهد که در دوران جدید، اشتیاق دولت‌های اروپایی به شناخت شرق از جمله ایران افزایش یافته و هرکدام از آن دولت‌ها به شیوه‌های مختلف به دنبال رسیدن به این هدف بسیار پر ارزش بودند. آثار و منابع مکتوب از جمله سفرنامه‌ها در این زمان، مهم‌ترین ابزار شناخت این دولت‌ها از جمله انگلستان بود. بر همین اساس، کتاب‌ها و سفرنامه‌های متعددی در زمینه‌ی ممالک مشرق زمین به نگارش درآمد. یکی از مهم‌ترین این آثار مربوط به نوشته‌های لرد کرزن از جمله سفرنامه «ایران و قضیه ایران» است. جایگاه کرزن به دلیل کسب مناصب مهم در دولت بریتانیا که تا سمت وزیر امور خارجه این کشور نیز پیش رفت و همچنین به دلیل تلاش وی برای اخذ امتیازات استعماری از ایران از جمله انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹، از اهمیت بالایی برخوردار است. سؤال اساسی تحقیق این است که با مبنا قرار دادن نظریه شرق‌شناسی ادوارد سعید، نگاه لرد کرزن نسبت به ایران بر چه شاخصه‌هایی استوار است؟ فرضیه تحقیق بیانگر این امر است که فرادستانه بودن، دیگرسازی براساس مفاهیم ذات‌گرایانه، نگاه کل‌نگر و تعمیم دهنده، از شاخصه‌های حاکم بر دیدگاه لرد کرزن درباره ایران است.

کلید واژه‌ها: لرد کرزن، شرق‌شناسی ادوارد سعید، غرب، ایران.

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده‌ی مسئول

** کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

مطالعات غربی‌ها درخصوص مشرق زمین، پیشینه درازی دارد و ردّ پای آن را در دوره یونان باستان و نوشته‌های هرودوت و گزنفون می‌توان یافت. غربی‌ها همواره در رقابت با تمدن‌های شرق، به شناخت ملت‌ها و تمدن‌های شرقی توجه کرده و از دیرباز کارهای فراوانی در این زمینه سامان داده‌اند. نمونه‌های برجسته این کارها را در گزارش‌ها، سفرنامه‌ها و پژوهش‌های علمی کسانی چون سر ویلیام جونز، جان لویس برکهارت، ویلیام هوک مرلی، چارلز آدامز، جورج رنتز و سالمون اوسترن می‌توان یافت. در این میان باید از جورج ناتانیل کرزن نیز نام برد. وی یکی از شرق‌شناسان و سفرنامه‌نویسانی است که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دو بار به ایران سفر کرده است. از طرفی مطالعات شرق‌شناسی وی چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

کرزن علاوه بر نقش سیاسی، به دلیل نگارش سفرنامه‌ی «ایران و قضیه ایران» که حاصل اولین سفرش در دوره‌ی ناصر‌ی است، برای ایرانیان نیز نامی آشنا است. اقدام کرزن در تهیه و نگارش سفرنامه «ایران و قضیه‌ی ایران» که در دو جلد به زبان فارسی ترجمه شده و بارها به چاپ رسیده است، از نظر تاریخ‌نگاری، تا زمان خودش اثری کم‌نظیر به شمار می‌رود و حاکی از توان، ذکاوت و انگیزه‌ی بسیار بالای نویسنده‌ی آن است. ویژگی شاخص و مهم این اثر، ارائه اطلاعات به نسبت جامع از اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، صنعتی و حتی جغرافیایی و نظامی ایران است. در این تحقیق تلاش شده است سفرنامه لرد کرزن براساس نظریه شرق‌شناسی ادوارد سعید تبیین و تحلیل شود.

این شرق‌شناس و سیاستمدار انگلیسی، ارتباط موجود میان مطالعات شرق‌شناسی و منافع استراتژیک غرب را در اظهارات خود در مجلس لردهای انگلیس به‌خوبی آشکار ساخت: «آشنایی ما نه فقط با زبان مردم شرق، بلکه با رسوم، احساسات، سنت‌ها و تاریخ و مذهب آنها و توان ما برای درک آنچه می‌توان از آن به‌عنوان خلق و خوی شرق نام برد، یگانه مبنایی است که با تکیه بر آن احتمالاً قادر خواهیم بود موقعیت کسب‌شده‌ی کنونی را در آینده نیز برای خود محفوظ نگاه‌داریم.» (کرزن، ۱۳۷۳: ۶۷).

۱- پیشینه تحقیق

درباره شرق‌شناسی آثار متعددی به نگارش درآمده است. کتاب‌هایی مانند «شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی‌شدن» (ترنر، ۱۹۹۴)، «سیر تاریخی و ارزیابی

اندیشه شرق‌شناسی» (الدسوقی، ۱۳۷۶) یا «راه‌های بدیل فراسوی شرق‌شناسی و غرب‌شناسی» (دالمایر، ۲۰۰۵) دالمایر از این قبیل آثار است. درخصوص نگاه به ایران نیز می‌توان به مقالاتی چون «بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری» (کریمی، ۱۳۸۶: ۶۲-۳۱) و «بررسی پژوهش‌های ایران‌شناسی غربی و شرق‌شناسی با تکیه بر بازنمایی فرهنگ مردم ایران در سفرنامه اروپائیان در دوره قاجار» (زند، ۱۳۸۹: ۱۸۱-۱۴۲) اشاره کرد که هر یک با تکیه بر سفرنامه‌ها و دیدگاه نویسندگان آنها فرهنگ و هویت ایرانی را توصیف می‌کند. اما درخصوص نگاه شرق‌شناسانه به ایران، آن هم در کلام و دیدگاه لرد کرزن نمی‌توان به آثار متعدد اشاره کرد. در مقاله «سفر لرد کرزن به خلیج فارس» (پرتو، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۱۶) نویسنده، علت سفر لرد کرزن به خلیج فارس را نمایش قدرت نظامی انگلیس و شکوه فرمانروایی خود در قبال شوروی و آلمان تحلیل می‌کند. نویسنده در اینجا نه در قالب شرق‌شناسی بلکه در قالب مناسبات قدرت به بحث خود می‌پردازد. نویسنده مقاله «انگلستان، لرد کرزن و خلیج فارس» (حقیقی، ۱۳۸۸: ۱۰۰-۷۹) نیز اگر به اهمیت خلیج فارس به‌ویژه به لحاظ اقتصادی برای اروپا می‌پردازد اما در پژوهش خود اشاره‌ای به اندیشه شرق‌شناسی ندارد. در پایان‌نامه «تأثیر اندیشه‌های لرد کرزن در ترسیم مناسبات ایران و انگلیس در آغاز قرن بیستم» (امیری، ۱۳۸۹: ۹۷-۵۷) نیز نویسنده هرچند به گونه‌ای مشخص‌تر به علت حضور کرزن در ایران اشاره می‌کند اما در قالب یک نگاه تاریخی و بیشتر به علت حضور، اشاره دارد. درحالی‌که در پژوهش حاضر ضمن اشاره به علت حضور لرد کرزن در ایران نگاه وی نسبت به ایرانیان از منظر شرق‌شناسی نیز مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲- تعریف مفاهیم

۲-۱- شرق‌شناسی

غربی‌ها از دیرباز به مطالعه درباره شرق و فرهنگ و تمدن شرقیان پرداخته و همواره پی‌آمدهای آن را مهم شمرده‌اند. این مطالعات در آغاز نام ویژه‌ای نداشت تا این‌که اصطلاح شرق‌شناسی در قرن هجدهم میلادی بر آنها نهاده شد (الدسوقی، ۱۳۷۶: ۸۱). واژه «استشراق» که از واژه «شرق» گرفته شده است، در معنای خواستن چیزهای موجود در شرق به کار می‌رود اما در اصطلاح، گستره فراوان و تعریف‌های گوناگونی دارد. برخی از این تعریف‌ها عبارت‌اند از: دانش پرداختن به شرق یا دانش شناخت شرق (الویری، ۱۳۹۳: ۳۱). این اصطلاح پس از انقلاب صنعتی اروپا و رقابت کشورهای

استعماری با یکدیگر به «مطالعات شرقی» بدل گشت و در معنایی گسترده‌تر، یعنی دربرگیرنده مطالعات تخصصی گوناگونی مانند مطالعات اسلامی، منطقه‌ای، خاورمیانه، عبری، اسلام‌شناسی، ایران‌شناسی و... به کار رفت و کرسی‌های مطالعاتی ویژه‌ای برای آنها بنیاد شد (رودنسون، ۲۰۰۷: ۵۹). آکسفورد، عمده محدوده معرفی استشراق را «زبان و هنر» شرقیان و دیگر ویژگی‌های کشورهای شرقی بیان می‌کند (آکسفورد، ۱۹۹۹: ۸۱۸). با توجه به تعریف ارائه شده می‌توان برای شرق‌شناسی، تعریف زیر را ارائه کرد: استشراق یعنی مجموعه تلاش‌های علمی غربی‌ها برای شناسایی و شناساندن کشورها از منظر شرایط جغرافیایی، منابع، تاریخ، زبان، هنر، آداب، فرهنگ، باورها، ادیان، تمدن‌ها، ویژگی‌های روان‌شناختی، نقاط آسیب‌پذیر مردم کشورهای مشرق زمین از خاور دور تا خاور نزدیک و شرق دریای مدیترانه و حتی سرزمین‌های دیگر اسلامی در آفریقای شمالی و دیگر نقاط جهان جهت کشف ثروت‌های مادی و معنوی آنان برای تأمین منافع خود. تعریف یادشده گرچه مفصل است، اما جامع می‌باشد. در این تحقیق از تعریف فوق استفاده شده است.

۲-۲- مستشرق

مستشرق کسی است که زبان و هنر کشورهای شرقی را مطالعه می‌کند. دائره‌المعارف نیوجرسی، محدوده شرق‌شناسی را مطالعه «زبان و ادبیات» شرقیان می‌داند (ویستر، ۲۰۰۱: ۱۰۲۲). مستشرق اغلب به شرق‌شناسانی گفته می‌شود که ملیت غربی، اروپایی یا امریکایی دارند، اما از آنجا که جمعی از اسلام‌شناسان غیرمسلمان کشورهای شرقی مانند چین و ژاپن و هند همگام با اسلام‌شناسان غربی به پژوهش و داوری مثبت و منفی پیرامون اسلام، قرآن، مسلمانان و ویژگی‌های کشورهای اسلامی پرداخته‌اند و آثار علمی هر دو گروه با ملاک یکسان در دستور کار نقادی اندیشمندان مسلمان قرار گرفته و تفاوت ملیتی و جغرافیایی آنان هیچ نقشی در نظر آنها ندارد، خصوصیت «غربی بودن» مستشرق جای خویش را به ویژگی «غیرمسلمان بودن» داده است، بر این اساس، برخی نویسندگان مسلمان نام مستشرق را به هر «اسلام‌شناس غیرمسلمان اعم از غربی و شرقی» گذارده‌اند (عبدالمنعم، ۲۰۰۱: ۱۷).

۲-۳- مفروضات تحقیق

در ابتدای پژوهش ذکر این نکته قابل توجه است که نویسندگان بر مبنای دیدگاه

شرق‌شناسانه ادوارد سعید سعی کرده‌اند نگاه کرزن به ایران را تبیین کنند. لذا درخصوص این‌که آیا خصلت‌هایی که برای شخصیت و فرهنگی ایرانی ذکر شده در عالم واقعیت منطبق بر خلق و خوی و رفتار ایرانیان است یا نه، قضاوتی نخواهند کرد و تبیین این مسأله نیازمند مجال دیگری است. البته طبیعی است که بخشی از اظهارنظرهای لردکرزن درباره شخصیت ایرانی از سوی برخی ایران‌شناسان دیگر مطرح شده است که در جای دیگر باید به آن پرداخت.

۳- چارچوب نظری تحقیق

اگرچه تاریخچه شرق‌شناسی به‌عنوان رشته غیرآکادمیک به دوران باستان برمی‌گردد اما اواخر قرن هیجدهم را به‌صورت رسمی، نقطه شروع رشته شرق‌شناسی می‌دانند. از سوی دیگر اگرچه اندیشمندان دیگری چون ریموند شواب در کتاب «رنسانس شرقی؛ کشف اروپایی از هند و شرق ۱۶۸۰-۱۸۸۰» به این مبحث توجه داشته‌اند اما همواره شرق‌شناسی با اسم ادوارد سعید پیوند خورده است. در این تحقیق نیز در میان نظریه‌پردازان مختلف این حوزه، نظریه شرق‌شناسی ادوارد سعید مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۱- شرق‌شناسی ادوارد سعید

به منظور درک دیدگاه و مبانی فکری و آثار ادوارد سعید، نویسنده مسیحی فلسطینی‌الاصل مقیم امریکا، باید او را در سه اصل کلی جست‌وجو کرد: نخستین دغدغه او بیان دقیق جایگاه و رسالت فرهنگی روشنفکر و منتقد است؛ روشنفکری حرفه‌ای و آماتور و رابطه او با قدرت و حقیقت. دومین دغدغه فکری سعید بررسی گفتمان غربیان درباره شرق به‌طور عام و اسلام به‌طور خاص است. سومین و سیاسی‌ترین دغدغه‌اش زادگاهش است که در تلاش برای برجسته کردن مبارزات مردم فلسطین برای بازپس‌گیری اش بود (سارتر، ۱۳۸۰: ۱۵).

تألیفات پرشمار و حجم فعالیت‌هایش در بخش‌های متعددی از نقد ادبیات گرفته تا موسیقی بیانگر وسعت اندیشه اوست. ادوارد سعید به‌عنوان یکی از اساتید برجسته ادبیات و نظریه‌های مدرن، شهرتی جهانی نیز در مسائل سیاسی و بین‌المللی به‌ویژه درخصوص خاورمیانه داشت. از جمله آثار پرشماری که وی در طول سال‌ها تلاش و تحقیق به رشته تحریر درآورده است می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: شرق‌شناسی، مسأله‌ی فلسطین، گزارش‌هایی درباره اسلام، پس از عرش، سرزنش مظلوم، فرهنگ و

امپریالیسم، سیاست سلب مالکیت، نقش روشنفکر، اسلام رسانه‌ها، فرهنگ و مقاومت، واپسین آسمان، بی‌کجایی، چهره فرد با فرهنگ، سرزنش قربانیان، صلح و سرخوردگانش و غیره.

اما در میان همه آثار وی، شرق‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. دیدگاه وی متأثر از اندیشمندانی چون فوکو است. یکی از اصلی‌ترین دلایلی که باعث شد فوکو در تعریف خود از قدرت، تعریفی که در گسست کامل از گذشته بود را ارائه دهد، آشکار شدن نتایج پیوند قدرت و دانشی بود که در زمان بیکن مبانی تئوریک آن تبیین شد و در زمان فوکو کاملاً به بار نشست (فوکو، ۲۰۰۶: ۵۴۱). در واقع فرانسیس بیکن پیوند دانش و قدرت را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم یک شرق‌شناس دانست.

دالمایر آغاز و نقطه عطف در پیدایش شرق‌شناسی را فرانسیس بیکن می‌داند. «بیکن، قدرت دانشگاهیان غربی خود را در موقعیتی برتر قرار داد و به دنبال آن‌گونه‌ای از برتری بر شرق به‌مثابه موضوع و سوژه‌ای عقب‌مانده و منفعل موضوعیت یافت» (دالمایر، ۲۰۰۵: ۱۰۱).

ادوارد سعید، ایده‌های فوکو در مورد شکل‌بندی گفتمانی را با تفکرات گرامشی راجع به هژمونی، ترکیب کرد و انتقاداتی قوی فراهم ساخت که اعتبار شرق‌شناسی را نیز زیر سؤال برد. بر همین مبنا سعید نمی‌پذیرد که شرق‌شناسی فعالیتی علمی و بی‌طرف در مطالعه‌ی شرق است. وی معتقد است که شرق‌شناسی در نتیجه گسترش امپریالیسم درون دنیای اسلام پدید آمد و هم‌زمان با آن، زمینه‌ی اشاعه این اندیشه فراهم شد. بر این اساس، فعالیت شرق‌شناسی دقیقاً هم‌زمان با تسلط امپریالیسم و استعمار بر بخش‌های عظیمی از جهان اسلام شکل گرفت (فکوهی، ۱۳۸۱: ۳۱۴).

سعید در تبیین و توضیح شرق موردنظر خود به توجهات جغرافیایی، آکادمیک و معنای عام آن نظر دارد و معتقد است، «شرق نه تنها در جوار و نزدیک اروپا قرار گرفته، بلکه محل عظیم‌ترین، ثروتمندترین و قدیمی‌ترین مستعمرات آن نیز می‌باشد؛ منبع تمدن‌ها و زبان‌هایش، رقیب فرهنگی آن و نیز یکی از عمیق‌ترین و درعین‌حال مکررترین تصاویری که از دیگران دارد» (سعید، ۱۹۸۷: ۲۴). البته سطوح مختلفی درخصوص شرق‌شناسی مطرح شده است. در مواردی شرق‌شناسی به‌مثابه «نوعی تبیین آکادمیک» تلقی می‌شود. بر این اساس هر کس که درباره «شرق»، درس می‌دهد، چیز می‌نویسد یا این‌که تحقیق می‌کند، یک شرق‌شناس است. در مواردی نیز شرق‌شناسی

به‌مثابه «نوعی سبک فکری» تبیین می‌شود (بروجردی، ۱۳۷۷: ۱۱). این برداشت از سبک‌شناسی، مبتنی بر یک تمایز هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی بین «شرق» و «غرب» (غالب موارد) «غرب» قرار دارد. در اینجا تمایز اساسی و ذاتی بین شرق و غرب، به‌عنوان نقطه‌ی آغازی برای هرگونه تفسیری از ویژگی‌های «شرق»، مردم، آداب و رسوم، تفکر، سرنوشت و ذهنیات شرق قلمداد می‌شود.

البته نگاه سعید، منفرد و یکتا نیست و در تداوم مجموعه‌ی مطالعاتی قرار دارد که به مطالعات پسااستعماری مشهور است. افرادی همچون لیلا گاندی، گایاتری اسپواک^۱، هومی بهابا و رابرت یونگ این مجموعه مطالعات را زنده نگاه داشته‌اند. پرداختن به شیوه بیان فرهنگ‌های استعمار زده نسبت به تاریخ استعماری و راه‌های مقاومت در برابر آن به‌ویژه در دوران استعمارزدایی و پس از آن و نیز توجه به وضعیت نابرابر جهانی شدن در نقاط مختلف جهان و روابط همواره نابرابر و استعمارگرایانه فرهنگی، از محورهای رویکرد پسااستعمارگرایی است.

درواقع پسااستعمارگری به راه‌هایی اطلاق می‌شود که در آن نژاد، قومیت، فرهنگ و هویت انسانی در عصر مدرن بعد از استقلال کشورهای مدرن نمایان می‌شود. لیلا گاندی از نظریه‌پردازان مهم این عرصه در کتاب «نظریه پسااستعماری» رابطه مهمی بین نظریه پسااستعمارگری و پسااختارگرایی، پساتجددگرایی، مارکسیسم و فمینیسم برقرار می‌کند.

درواقع انبوهی از نویسندگان که در میان آنها شعرا، داستان‌نویس، فلاسفه، نظریه‌پردازان سیاسی، اقتصاددانان و مقامات حکومتی یافت می‌شوند، این اختلاف بنیادین بین شرق و غرب را پذیرفته و آن را نقطه شروع تئوری‌ها، حماسه‌ها، داستان‌ها، توصیفات اجتماعی و روایت‌های سیاسی خویش در مورد شرق، مردم آنجا، آدم و رسوم آنان، ذهنیات ایشان، و مقدراتشان قرار داده‌اند. به عبارت دیگر در مفروضه سعید، «گفتمان شرق‌شناسی به‌واسطه حمایت قدرت استعمار و امپریالیسم توانسته است شرق و مخصوصاً خاورمیانه را از صحنه نظام بین‌الملل طرد کند. رابطه‌های قدرت مهم‌ترین بخش این گفتمان است که غرب را قدرتمند و شرق را ضعیف تصور می‌کند (سعید، ۱۹۸۷: ۲۴).

1. Gayatri Spivak

۳-۲- مؤلفه‌های شرق‌شناسی ادوارد سعید

از خلال گفتارهای کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید و نیز با عنایت به تلاش‌های همفکرانش میتوان ویژگی‌های مشترکی را برای مطالعات شرق‌شناسی برشمرد که ابداع شرق، عمومیت و یکپارچگی، خصلت آرشیوی و «آنها» و «ما» تاریخ‌مندی، دوآلیسم خوب و بد، تمایز اندیشیدن به‌جای دیگری، خودمحوری، محوریت نیاز غربی، فرادستی ما و تحقیر دیگری از مهم‌ترین آنهاست (نساج، ۱۳۹۱: ۱۴۳). در این پژوهش، سه مؤلفه‌ی فرادستانه بودن، دیگرسازی براساس مفاهیم ذات‌گرایانه، نگاه کل‌نگر و تعمیم دهنده را در نگاه کرزن به ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اگر بخواهیم براساس نظریه شرق‌شناسی ادوارد سعید رویکرد شرق‌شناسانه ایران‌شناسان غربی را تحلیل کنیم می‌توان گفت غرب‌مداری، برجسته‌سازی تمایز، بازنمایی دلخواهانه و تحریف‌آمیز و تعمیم منفی‌انگارانه در هر دو گروه از ایران‌شناسان غربی در تحلیل و توصیف هویت فرهنگی ایرانیان و بازنمایی آنها به کار گرفته شده است. لذا فرادستانه بودن، دیگرسازی براساس مفاهیم ذات‌گرایانه، نگاه کل‌نگر و تعمیم دهنده از شاخصه‌های حاکم بر دیدگاه کرزن درباره ایران است. در واقع در تحلیل نگاه کرزن به ایران، این سه مؤلفه مهم شرق‌شناسانه در لابه‌لای سفرنامه وی قابلیت خوانش دارد.

۳-۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، از نوع تفسیر متن خواهد بود به عبارت دیگر این پژوهش با استمداد از نظریه شرق‌شناسی ادوارد سعید، به‌عنوان چارچوب نظری، سعی دارد نگاه لرد کرزن در سفرنامه «ایران و قضیه ایران» را ضمن توصیف و تفسیر، مورد تحلیل و تبیین قرار دهد.

۴- تحلیل نگاه کرزن به ایران براساس شرق‌شناسی ادوارد سعید

۴-۱- لرد کرزن در ایران

اولین هیأت انگلیسی به سرپرستی سر آنتونی جنکینسن در دوره صفویه، در سال ۹۸۰ هجری به ایران آمد. چهل سال پس از مأموریت بی‌نتیجه وی، برادران شرلی (سر آنتونی و رابرت) در سال ۱۵۸۹م به اصفهان آمدند. دوره قاجاریه به‌ویژه اوایل سلطنت فتحعلی شاه را نیز می‌توان از جهت تشدید فعالیت‌های سیاسی اروپاییان در ایران و آمد و شدهای سیاسی مورد مطالعه قرار داد. پیروزی نظامی ناپلئون بناپارت در اروپا سبب

شد که تهران مرکز رقابت سیاسی فرانسه و انگلستان شود. رفته‌رفته پای مأموران سیاسی دولت‌های دیگر به ایران باز شد.

جورج ناتانیل کرزن، معروف به کرزن کدلستون و دارای القابی چون مارکی، ویسکونت، بارون وارل، در ژانویه ی ۱۸۵۹م در کدلستون در دربی شایر انگلستان در خانواده‌های اشرافی به دنیا آمد. پدر وی از اسقف‌های نامدار انگلیسی به‌شمار می‌رفت. وی دوران کودکی خود را تحت آموزش آموزگاری سختگیر سپری کرد. این تجربه گرچه وی را دچار حقد و کینه کرد اما از وی شخصیتی قدرت طلب بار آورد و درعین حال در شکوفایی نبوغ وی نیز به همان اندازه مؤثر بود و از همان ابتدا وی را دانش آموز و دانشجویی اهل مطالعه و کوشا تربیت کرد (جمیلی کهنه شهری و نادى، ۱۳۹۰: ۷).

وی در نوزده سالگی عازم آکسفورد شد. در طول پنج سال تحصیل در آکسفورد، با بسیاری از مسائل مهم روز و سیاستمداران زمانش آشنا شد. سخنرانی‌هایش در انجمن ادبی آکسفورد و مقالاتی که برای روزنامه‌های لندن می‌نوشت به شناساندن او در محافل با نفوذ، کمک شایانی کرد (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۱۸). کرزن به‌سرعت به مقام‌های بالای سیاسی دست یافت، به‌طوری‌که خیلی زود توجه زعمای حزب محافظه‌کار انگلیس را جلب کرد. در واقع آموزش در کالج اتین، ورود به آکسفورد در سال ۱۸۷۸م و گرفتن جایزه ادبی دانشگاه برای مقاله بیت‌المقدس سبب شد تا مسئولان دانشگاه و حزب محافظه‌کار به او توجه کنند و بدین ترتیب توانست در سال ۱۸۸۶ وارد مجلس مبعوثان (یکی از مجالس انگلستان) شود (جمیلی کهنه شهری و نادى، ۱۳۹۰: ۸). کرزن، از جمله جوان‌ترین و مشهورترین سیاست‌مداران انگلیسی بود و به مقام‌هایی چون معاون دیوان هند در وزارت خارجه سالزبوری، معاون وزارت خارجه و مهرداد سلطنتی رسید و ملکه ویکتوریا به سبب خدمات درخشان وی، در ۳۹ سالگی به او لقب لرد داد. سرانجام در سال ۱۹۲۵م درگذشت.

لرد کرزن در سال ۱۸۸۶م سفرهای خود را در آسیا شروع کرد و به روسیه، آسیای مرکزی، تایلند، هند و چین، کره، افغانستان، پامیر و ایران سفر کرد. حاصل این سفرها نگارش چندین کتاب راجع به کشورهای آسیای میانه و شرقی و سیاست‌های آنها بود. دلیل اصلی او از این سفرها، هدف سیاسی بود و مطالعه‌ی جامع و وسیع وی از کشورهای آسیا توانست در جهت سلطه‌ی انگلیسی‌ها بر منطقه و تداوم استعمار آنها بر هندوستان مفید باشد (جمیلی کهنه شهری و نادى، ۱۳۹۰: ۹).

کرزن پس از هفت سال فترت از عرصه‌ی سیاسی در سال ۱۹۱۸ میلادی معاون وزارت امور خارجه و از آغاز سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ وزیر امور خارجه‌ی انگلیس شد. انتصاب لرد کرزن به وزارت امور خارجه‌ی انگلیس نقطه‌ی عطف تحولات منتهی به قرارداد ۱۹۱۹ م. بود. کرزن اکنون فرصت خوبی یافته بود تا سیاست مستعمره‌سازی ایران را عملی کند. در تحلیلی که از مهم‌ترین اولویت‌های وی در ایران ارائه شد، مسأله‌ی نفت در صدر است، چنان‌که یکی از مؤلفه‌های مهم برای بازسازی اقتصاد جنگی بریتانیا در دوراهی پس از جنگ به شمار می‌رفت (آبادیان، ۱۳۸۳: ۲۱).

اولویت دیگر او، ایجاد زنجیره‌هایی از کشورهای حائل و دولت‌های سرسپرده بود که روسیه را از هند جدا کند و از امکان دسترسی مستقیم یا آسان بدان بازدارد و هیچ‌یک از آن کشورها تحت نفوذ روسیه نباشند. در نظر وی، ایران مهم‌ترین و در عین حال ضعیف‌ترین حلقه‌ی زنجیره‌ی دفاع از هند را تشکیل می‌داد که باید از خطر تعرض هر متجاوزی مصون باشد. وی برای ایجاد توازن قدرت انگلیس با روسیه، طرح تقسیم ایران را در سال ۱۸۹۹ م. به دولت متبوع خود ارائه داد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۳۹).

کرزن در آینده‌ای که برای انگلستان ترسیم می‌کند از هیچ کوششی دریغ نوزید: «آینده‌ی بریتانیای کبیر در اروپا و حتی در دریاها و اقیانوس‌ها که در زیر سایه‌ی پرچم اویند یا در خود انگلستان که هستی‌اش وابسته به وجود فرزندان اوست، تعیین نخواهد شد، بلکه در آن قاره‌ای تعیین خواهد شد که نیاکان مهاجر ما اصلاً از آنجا فرا آمده‌اند و فرزندان ایشان به‌صورت کشورگشایان به همان‌جا بازگشته‌اند. انگلستان بدون هندوستان امکان زیست ندارد. در دست داشتن هند، سند تعویض‌ناپذیری در فرمانروایی بر جهان شرق است» (کرزن، ۱۳۸۰: ۲۱).

۲-۴- سفرنامه «ایران و قضیه ایران»

از دوره قاجاریه سفرنامه‌های بسیاری از ایران‌گردان در دست است که ذکر نام تمام آنها مقدور نیست. اما می‌توان از سفرنامه‌های مهم این دوره سفرنامه‌های گاسپار دروویل، اوژن فلاندرن، ارنست اورسل، هنری موز، مسیو بهلر، هوتم شیندلر، سر جان ملکم، ژنرال گاردان، سر آرتور هاردینگ، آکس بارنز، نیکی تین، پولاک، لید سیل، کنت دوگوبینو و فدت آفاناس یویچ کاتف را نام برد.

یکی از این سفرنامه‌ها مربوط به سفرنامه لرد کرزن است. کرزن، در سال ۹۰-

۱۸۸۹ م. (۱۲۶۸ هـ.ش) که به‌عنوان خبرنگار روزنامه‌ی تایمز به ایران سفر کرد، دو علت را برای سفر خود به ایران در قالب روزنامه‌نگار بیان می‌کند:

الف) «به‌عنوان خبرنگار روزنامه‌ی تایمز منظور عاجلم از رفتن به ایران این بود که بتوانم طی نامه‌هایی که از لحاظ تعداد و تفصیل محدودند، خلاصه‌ای از وضع سیاسی قلمرو شاه را برای این روزنامه فراهم آورم». ب) «نقائصی که درباره‌ی ایران‌شناختی جدید وجود دارد و من در مطالعات قبلی به آن برخورد کرده بودم برطرف سازم و به این ترتیب اطلاعات این دو مجلد ۱۴۰۰ صفحه‌ای را فراهم آورم» (کرزن، ۱۳۸۰: ۷).

کرزن بعد از ورود به ایران توانست پس از شش ماه توقف، اطلاعات مورد نظرش را گردآوری و پس از بازگشت به کشورش و تکمیل آن، به تدوین نام آوثرترین اثرش به نام «ایران و قضیه‌ی ایران» در دو مجلد پرداخت. انتشار این کتاب بیش از پیش بر شهرت او افزود، به طوری که پس از انتشار آن در سال ۱۸۹۱ م. مقام معاونت دیوان هند به او داده شد (کرزن، ۱۳۸۰: ۱۹).

وی در تحلیل نامگذاری سفرنامه‌اش به «قضیه‌ی ایران» می‌گوید: در صدد شرح و بیان چگونگی و اهمیت سرشار این قضیه برمی‌آیم تا برای خوانندگان انگلیسی واضح شود که آن سرزمین دور افتاده چه منابع سرشاری دارد و چرا ناگزیرند که سیاست و آبادانی آن را با علاقه‌ی تام بنگرند و معنی اتحاد با ایران چیست و چه آثاری در بر خواهد داشت و به چه دلیل برای ما مقدور نیست که خواه نسبت به فرمانروای آن یا نسبت به ملت ایران با رویه‌ی بی‌اعتنایی، فقط قرین احترام رفتار کنیم (کرزن، ۱۳۸۰: ۱۹). چنان‌که از سخنان دیگر کرزن برمی‌آید، قصدش فقط گزارش‌نویسی یا سفرنامه‌نویسی نبوده و به انگیزه‌ی علمی نیز اشاره‌ی جدی ندارد، بلکه تأکید او بر بریتانیای کبیر و آینده‌ی آن است و منظورش از «طبقه‌ی مطلع»، راهبردگرایان و تصمیم‌گیران حال و آینده‌ی بریتانیا بوده است که باید رهبری مقتدرانه امپراتوری بریتانیا در رقابت با روسیه و سایر رقبای استعماری انگلیس را تداوم بخشند.

۳-۴- ویژگی‌های شرق‌شناسانه نگاه لرد کرزن به ایران ۳-۴-۱- نگاه کل‌نگر و تعمیم‌دهنده

از دیدگاه ادوارد سعید عمومیت، یکپارچه‌سازی و تعمیم دادن از ویژگی‌های شرق‌شناسی است (سعید و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۲). از جمله ویژگی‌های نگاه کرزن به

ایرانیان، نیز نگاه کل‌نگر و تعمیم‌دهنده است. وی در سفرنامه خود، در تصویر بازار تهران می‌نویسد:

راجع به وضع دکان‌ها یا چگونگی معاملات و یا درجات کسب و کار و یا صحنه‌های دادوستد در بازارهای تهران حرفی نمی‌زنم چون همان وضع و بساطی در میان است که در سایر شهرهای مشرق زمین دیده می‌شود... اگرچه نسبت به بازارهای اصفهان و شیراز که بعداً دیدم و تا حدی هم تبریز عقب‌تر محسوب می‌شود، ولی از نظر کسانی که با علاقه و کنجکاوی و امید خرید اشیاء کمیاب به آنجا می‌روند از یأس‌آورترین بازارهای مشرق زمین است (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۳۷).

کرزن در یک نگاه کلی‌گرایانه، دروغ‌گویی را صفت همه ایرانیان می‌داند: هرودوت نوشته است که ایرانیان قدیم فرزندان خود را سه چیز می‌آموخته‌اند: سواری، تیراندازی و راست‌گویی. شعار سومی از دیرزمانی پیش در اعقاب ایشان از میان رفته است (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۷۵۱).

کرزن در جای دیگری درخصوص مشکلاتی که برای وی در ممانعت از ورود به شهر کلات نادری پیش می‌آید در قسمتی از کتابش، ایرانیان را به چرب‌زبانی و دروغ‌گویی متهم می‌کند:

شکرالله بعد از یک ساعت برگشت که تلگراف را پس داده‌اند چون خط بین کلات و مشهد دایر نیست و نماینده سواری هم از جانب خان آمد و با چرب‌زبانی به ادای توضیحات پرداخت که سبب شد به کنه اخلاق ایرانی آشنا شوم (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹۱).

کل‌انگاری و تعمیم آن محدود به صفاتی چون چرب‌زبانی و دروغ‌گویی نمی‌شود. وی در جای دیگری از کتاب خود، ایرانیان و در کل مشرق زمین را مردمانی توصیف می‌کند که علاقه چندانی به توصیه ندارند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۷۰۹). وی در ادامه توصیف اخلاق ایرانی‌ها، مال‌اندوزی را نیز به‌عنوان یکی از ویژگی‌های همه ایرانی‌ها برمی‌شمرد بدون این‌که دلیل قانع‌کننده‌ای برای دیدگاه کلی و خام خود ارائه دهد. نگاه کل‌نگر و تعمیم‌دهنده کرزن درخصوص اقوام و شهرهای مختلف ایران نیز مصداق دارد. وی درخصوص مردم قم نیز می‌نویسد:

به‌طوری‌که در چنین محل مقدسی دور از انتظار نیست عده‌ای از سکنه آن سادات و ایشان افرادی متعصب‌اند که بر سبیل عادت، خود را از خطا و گناه مصون می‌پندارند و خیلی هم خرافاتی‌اند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۳).

کرزن صرفاً با استناد به یک مقوله تاریخی در ادامه رویکرد کل‌انگارانه و تعمیم‌دهنده‌اش، نه تنها ایرانیان که کل مشرق زمین را متهم به داشتن سنت انواع شکنجه‌ها می‌کند. به گفته وی:

عملیات شدید سرکوب بابی‌ها در اثر سوءقصدی که نسبت به جان شاه اتفاق افتاده بود از مقوله دیگر است زیرا که نه تنها به جان شاه سوءقصد کرده بودند، بلکه هستی خود خاندان قاجار در معرض خطر افتاده بود و باید فراموش ننمود که تدبیر انواع شکنجه‌ها از سنت بسیار دیرین مشرق زمین است (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۲۸).

قضا و قدرگرایی یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که لرد کرزن به همه مشرق زمین نسبت می‌دهد:

اعتقاد و ایمان اهالی مشرق مایه ایجاب و قبول این نظریه است که مشیت پروردگار به صورت‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شود. از این‌رو شانه‌ای حرکت می‌دهند و به آنچه پیش آمده است تسلیم می‌شوند و فقط در موارد شاق و طاقت‌فرساست که سر به شورش برمی‌دارند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۲۰).

به‌طور کلی، تصویر ساخته شده از ایرانیان و شرقی‌ها، در ذهن خوانندگان کتاب‌های کرزن به‌ویژه سفرنامه «ایران و قضیه ایران» توأم با ویژگی‌های شرق‌شناسانه نگاه سعید است به نظر می‌رسد بازنمایی شخصیت ملی ایرانیان از همان مراحل ابتدایی با زبان، فرهنگ و عقاید سیاسی نویسنده آغشته می‌شود. در نتیجه، امکان ارائه‌ی بازنمایی دقیق و غیرمغرضانه را پایین می‌آورد.

درواقع شرق‌شناسان و ایران‌شناسان متعددی درباره ویژگی‌های رفتاری ایرانیان صحبت کرده‌اند. ویژگی‌هایی نظیر هوشمندی، شجاعت، میهمان‌نواز بودن را به‌عنوان صفات مثبت و ویژگی‌هایی نظیر دورویی، دروغ‌گویی و خرافاتی بودن را به‌عنوان صفات منفی نام برده‌اند (زند، ۱۳۸۹: ۱۷۳) که فارغ از این‌که این ویژگی‌ها منطبق بر رفتار ایرانیان هستند یا نه مهم‌تر این است که برخی از آنها از جمله لرد کرزن با بزرگ‌نمایی و تعمیم‌دادن آن به ایرانیان عملاً در مسیر شرق‌شناسانه ادوارد سعید افتاده‌اند درحالی‌که تعمیم این ویژگی‌ها به همه ایرانیان نادرست و غیرمنصفانه است.

۴-۳-۲- فرادستانه بودن

براساس نظریه شرق‌شناسی ادوارد سعید، فرهنگ اروپایی با سنجیدن خود با شرق به‌منزله نوعی «خود معیار»، قدرت و هویت بیشتر به دست می‌آورد (سعید، ۱۳۸۲: ۱۷).

ویلیام ساکس در این خصوص بیان می‌کند: «ما همواره میان خود و دیگری تفاوت ایجاد می‌کنیم؛ خود را ارج می‌نهیم و دیگری را تحقیر می‌کنیم، اما برای برخی، «دیگری» همچون مدلی است برای تقلید و تمسخر» (ساکس، ۱۹۹۸: ۲۹۹). بر همین اساس است که کرزن می‌نویسد:

در میان تضاد بارز و دائمی که بین شمایل و اسباب زندگی در شرق و غرب هست راجع به یک مورد جالب توجه آن هیچ احتیاجی به مبالغه نیست. کشورهای که نه بندری دارند و نه بارانداز، نه خط آهن یا ایستگاه، نه شاهراه یا خیابان (به معیاری که در غرب داریم)، نه مسافرخانه یا مهمان‌سرا، نه تختخواب یا میز و صندلی (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۴).

رویکرد فرادستانه بودن کرزن صرفاً به موضوعات فرهنگی و تمدنی محدود نمی‌شود. وی از نظر اقلیمی نیز با دیدگاه فرادستانه به ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی ایران می‌نگرد. به قول سعید پایه شرق‌شناسی نوعی دوقطبی کردن جغرافیایی مبتنی بر تفاوت هستی‌شناختی بین غرب و بقیه جهان است (سعید، ۱۳۸۲: ۱۷۶) که جهان را به دو بخش خیالی و در عین حال کاملاً مجزای «ما» و «دیگران» تقسیم می‌کند. بخش بزرگ‌تر و متفاوت شرق نامیده شده و دیگری که متعلق به ما است مغرب یا غرب (سعید، ۱۳۷۹: ۷۴) نگاه تحقیرآمیز کرزن به بومی‌ها نیز ناشی از همان دیدگاه فرادستانه‌اش به ایرانی‌ها و در کل مشرق زمین ناشی می‌شود:

ورجین را بر پشت زین غلام پست جا بدهید. این دو لنگه خورجین متعادل خواهد بود و دردسری پیش نخواهد آمد. نوکر ایرانی شما که باید قبلاً استخدام شده باشد و بدون او سفر کردن حماقت است می‌تواند یک جفت خورجین هم او بردارد که در داخل آن می‌توان اسباب سبک دیگر و لوازم طبخ و بار خود او را جا داد (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۴).

درواقع شرق‌شناسی همواره بر رابطه سلطه و برتری «موقعیت» خویش نسبت به شرق تکیه می‌کند و شرق را سرزمینی می‌داند که به وسیله سلطه تعریف می‌شود (فاکس، ۱۹۹۲: ۱۴۶). به عبارتی شرق‌شناسی نشانه با ارزشی از اعمال قدرت اروپایی — آتلانتیک بر شرق محسوب می‌شود (سعید، ۱۳۸۲: ۲۰). شرق‌شناسان در مورد مردم شرق تصور مخصوصی را برمی‌گزینند که مختصات یک تیپ‌شناسی نژادی حاوی نوعی نژادپرستی است. نگاه کرزن نیز به مردم ایران بیانگر مردمی کاملاً تهی‌دست هستند که باید به آنها از سر ترحم کمک کرد:

از روزگاران قدیم درباره این سرزمین [ایران] خوانده‌ایم که ناحیه‌ای بی‌تمدن و دور از دسترسی انسان بوده و طوایف عجیب و مهیبی در آنجا می‌زیسته‌اند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۴۸)

در جایی دیگر با نگاهی فرادستانه در مورد ایرانیان می‌گوید:

صاحب‌نظرانی که می‌گویند اصلاح اخلاقی مقدم بر اصلاحات مادی، و تزکیه باطن مرجح بر آراستگی ظاهری است کاملاً حق دارند ... ممکن است در ایران جاده‌ها و راه‌آهن ساخت و منابع ثروت خیز آن را به کار انداخت و قشونش را آماده و کارگزارانش را نالندار کرد ولی باز، هم‌آهنگی و انبازی او با ملت‌های متمدن میسر نخواهد گردید مگر آن‌که به کنه روح مردم امکان رسوخ باشد و تکان جدید و عمیق در سیرت ملی و رسوم و میانی آن پدید آید (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۰۱).

در سفرنامه لرد کرزن اروپایان به‌ویژه انگلستان در جایگاه ملت برتر قرار دارد که همواره باید به‌عنوان یک هویت ممتاز بر این سرزمین‌ها سلطه داشته باشد. البته اگرچه کرزن در قسمت‌هایی از سفرنامه «ایران و قضیه ایران» ایرانیان را دارای تمدن کهن و بزرگ می‌داند اما در ادامه، از ایران دوره قاجار به درام تاریخی یاد می‌کند.

القای این نوع نگاه که رفتار ایرانیان تهی از تمدن است برخاسته از فرودستانه دیدن فرهنگ شرقی و به تبع آن فرهنگ ایرانی و فرادستانه دیدن فرهنگی غربی است که ادوارد سعید نیز این نگاه را در مسیر استعمار شرق می‌داند. وقتی چنین نگاهی به شرق وجود باشد دیگران (غرب) اجازه خواهند یافت که نه تنها با حضور به اصطلاح متمدنانه خود در شرق، بر فرهنگ و تمدن شرقی به بهانه اصلاح، سوار شوند، بلکه برداشت نمودن از منابع طبیعی و ثروت شرق را حق مسلم خود بدانند؛ چرا که حامل ارمغانی (فرهنگ متمدن) از غرب به شرق هستند.

۳-۳-۴- دیگرسازی براساس مفاهیم ذات‌گرایانه (ترسیم دو دنیای خوب و بد)

از این زاویه، شرق، اغلب «دیگری» منفی و بخشی از طبقه‌بندی اخلاقی غرب و واقع در حاشیه جهان متمدن است که هویتی ضدیت‌طلب یا «دگربود» را ایجاد می‌کند که سرشت ما را تعریف می‌کند (ترنر، ۱۹۹۴). در این تقابل بودشناختی، غربیان، منطقی، صلح‌طلب، لیبرال، عقل‌گرا و قادر به حفظ ارزش‌های واقعی و بدون سوءظن طبیعی هستند و گروه دوم یا شرقیان واجد هیچ یک از صفات مزبور نیستند (سعید، ۱۳۸۲: ۸۸). دیگرسازی براساس مفاهیم ذات‌گرایانه به معنی ترسیم دو دنیای خوب و بد، نیز از دیگر ویژگی‌های رویکرد کرزن به ایرانیان است:

شهری که بوسیله باغ و بوستان احاطه شده است و از مسافت دور بسیار دلپذیر می‌نماید چون نزدیک‌تر برویم انبوهی از آلونک‌های گلی است. چنان‌که در بیرون این خانه‌ها که فقط شامل دیوارهای گلی بی‌رنگ و ریخت است نام و اثری از باغچه و منبع آب نیست و نه آن ذوق و سلیقه‌ای که گاهی در داخل خانه‌ها دیده می‌شود... با این‌که ایرانیان آشنایی قابل ملاحظه‌ای با مبانی تمدن دارند باز این مانع از آن نیست که تعصبات چرند و خرافات هم داشته باشند. مذهب گاهی در نزد ایشان به حالت رکود و فراموشی است و زمانی نیک بارز و عیان است. لحظه‌ای غضب تعصب‌آمیز، آنها را برمی‌انگیزد و لحظه بعد به صورت انکار وجود خدا و رسول ظاهر می‌شود (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۶).

از دیدگاه سعید، غرب فرهنگ‌های تحت سلطه را تنزل درجه می‌دهد، خوار و ضعیف می‌شمارد و حکمروایی غرب بر آنان و نیز انحصار نمایندگی و نمایش آنان به وسیله غرب را طبیعی معرفی می‌کند (رابینز، ۱۹۹۲: ۵۰). شرق‌شناسی با ابتدا بر محور تضادها و دوگانگی‌های مثبت و منفی، ترازنامه‌ای از جنبه‌های منفی بین غرب و شرق برمی‌سازد که در آن، شرق با موضوعاتی چون رکود تاریخی، فقدان طبقه متوسط، عدم تثبیت مفهوم شهروندی، فقدان شهرهای مستقل، فقدان نظام‌های زاهدانه و ناکامی در ظهور عقلانیت ابزاری به‌عنوان فرهنگ بنیادی علم سکولار، سرمایه‌داری صنعتی و سازمان‌های عقلانی تعریف شده است (بروجردی، ۱۳۷۷: ۲۲).

غیریت یا همان غیرسازی در رویکرد کرزن به حدی است که تلاش می‌کند بی‌فرهنگی محض برخی سیاحان اروپایی در نوشتن یادگاری بر آثار باقی‌مانده از تخت جمشید را توجیه کند. گویی کسی که از اروپا آمده کاملاً خوب است و بهترین فضایل انسانی را دارد و هر چه بدی و زشتی است از آن ایرانیان و اهالی مشرق زمین است. وی درخصوص نوشتن یادگاری سیاحان اروپایی بر پیکره سنگی کتیبه‌ها می‌گوید:

باید اذعان کنم که من اهل این قبیل کارهای احساساتی نیستم ولی ساختمانی که به آن وضع یأس آور ویرانه است با چنین کاری از قدر و اعتبار آن چیزی نمی‌کاهد، بلکه به نظر این جانب در اثر یادگاری‌های سیاحان نامی گذشته که گاهی با دست خود نوشته‌اند بیشتر جالب توجه می‌شود؛ همان کسانی که همه مسافران طبقه هوشمند تخت جمشید خواه و ناخواه با نام ایشان به همان اندازه اسم خود خشایار شاه آشنا می‌باشند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۹۲).

کرزن در بخشی دیگر از کتاب خود تلاش می‌کند در کنار توصیف وضعیت ایران در قالب کشوری مشحون از فقر و فلاکت و بدبختی تصویری از انگلستان از زبان یکی

از سیاستمداران ایرانی برای مخاطب ارائه کند که نماد همان دنیای خوب رویکرد غیریت‌سازی وی است:

امین‌السلطان در حال حاضر وزارت‌های داخله، دربار، گمرک و مالیه را هم عهده‌دار است. ... با من راجع به سیاست مملکت خود با آزادی تمام صحبت می‌کرد و می‌گفت موضوعی که بیش از هر چیز در انگلستان او را به شگفت انداخت ثروت سرشار طبقه اشراف بود که هر یک از ایشان چون پادشاهی می‌نمود و سواد مردم که از فلسفه و معانی حرف می‌زدند و ازدحام جمعیت که هر دهی قصبه و هر قصبه‌ای شهر به نظر می‌رسید. او اظهار داشت که علاقه فراوان دارد که دو پسرش که بزرگتر دوازده ساله است در انگلستان تربیت شوند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۵۹).

تصویری که کرزن از سفارت انگلیس به مخاطب دست می‌دهد به خوبی بر دیدگاه غیریت‌سازی و تلاش برای ایجاد همان دنیای خوب و بد آشکار است:

سفارت چندین دولت در این خیابان واقع است و از این سفارتخانه‌ها آن‌که تا این تاریخ از همه وسیع‌تر است و در فکر انسان حسن تأثیر می‌نماید همان است که اقامتگاه نماینده علیا حضرت ملکه (ویکتوریا) است که در نیم میلی میدان بزرگ واقع است (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۱۶).

به نظر می‌رسد در این نوع غیریت‌سازی، هدف هویت‌سازی نهفته است. کرزن با این تفکیک‌شان توجیهی مناسبی برای حضور خود و کشورش را در ایران فراهم می‌کند و از این طریق حضور مداوم انگلستان را مشروعیت می‌بخشد؛ درحالی‌که وی با نادیده انگاشتن فرهنگ و تمدن شرقی و در اینجا با غیریت‌سازی نسبت به فرهنگ ایرانی، غرب را به‌عنوان دنیای خوب معرفی می‌کند.

نتیجه‌گیری

از خلال گفتارهای کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید می‌توان ویژگی‌هایی را برشمرد که در نگارش سفرنامه‌نویسان شرق‌شناسی چون لرد کرزن قابل مشاهده است. ویژگی‌های عمومیت و یکپارچگی، دوآلیسم خوب و بد، تمایز «ما» و «آنها»، فرادستی ما و تحقیر دیگری از مهم‌ترین آنهاست.

لرد کرزن از جمله ایران‌شناسانی است که سفرنامه خود در مورد ایران را بر مبنای نگاه شرق‌شناسانه ادوارد سعید نوشته است. در واقع وی در کنار برشمردن ویژگی‌هایی مثبت از ایرانیان اما بیشتر با نگاهی منفی از نوع فرادستانه و غیریت‌نگر جامعه ایرانی را

مملو از صفاتی می‌داند که حضور اروپائیان و به‌ویژه انگلیس در ایران فرصتی را برای زدودن این صفات فراهم کرده است. در واقع ترویج فرهنگ غربی در ایران را نیاز این کشور برای رهایی از ویژگی‌های ناشایست ایرانیان می‌داند. در حالی که اگر چه لرد کرزن در سفرنامه‌اش چنان‌که خود در قالب یک شرق‌شناس می‌گوید، هویتی از ایرانیان را نه تنها در قالب یک سردمدار انگلیسی با اهداف خاص استعماری، بلکه به‌عنوان «دیگری» [ایرانی] می‌شناساند؛ اما در هر صورت بسیاری از اطلاعاتی که کرزن از ایران جمع‌آوری کرده است در دوره‌ی دیگر زندگی سیاسی‌اش برای اهداف خاص استعماری انگلستان بسیار کارآمد بوده است و در این وجه می‌توان او را شرق‌شناسی در نظر گرفت که از دیدگاه یک «خودی» برای انگلستان و اروپا با هویتی معتبر از «دیگری» (ایران و مشرق) که آن را فروتر و با هویتی بی‌اعتبار می‌نگرد عمل می‌کند و این امر را در جملات متعدد در کتابش و اهدافی که آنها را به‌صراحت به زبان می‌آورد می‌توان دید. او شرق‌شناسی است که با نگاه غیرمنصفانه و نادرست برخی ویژگی‌ها را به ایرانیان تعمیم می‌دهد.

از طرفی هم زمانی رویکرد استعمارگری انگلستان با دوران کرزن یا ورود کرزن به عرصه سیاست، شاید دلایلی باشد که از سفرنامه وی نگاه تعمیم دادن و کل‌نگرانه، فرادستانه بودن و دیگرسازی براساس مفاهیم ذات‌گرایانه نسبت به ایرانیان استنباط شود و این مطلب از نگاه شرق‌شناسانه‌ی ادوارد سعید همان طور که در بحث هم آمد مویداتی را به همراه داشته است.

منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۸۳)؛ *بحران مشروطیت در ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- الدسوقی، محمد (۱۳۷۶)؛ *سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی*، ترجمه‌ی محمود رضا افتخارزاده، تهران: نشر هزاران.
- الویری، محسن (۱۳۹۳)؛ *مطالعات اسلامی در غرب*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- امیری، آمنه (۱۳۸۹)؛ *تأثیر اندیشه‌های لرد کرزن در ترسیم مناسبات ایران و انگلیس در آغاز قرن بیستم*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه پیام‌نور استان تهران، دانشکده علوم انسانی.
- بروجردی مهرزاد (۱۳۷۷)؛ *روشنفکران ایرانی و غرب*، ترجمه‌ی جمشید شیرازی، تهران: نشر فرزانه روز.
- پرتو، افشین (۱۳۸۱)؛ «سفر لرد کرزن به خلیج فارس»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۱۸۳ و ۱۸۴، صص ۱۳۵-۱۱۶.
- جمیلی کهنه شهری، فاطمه؛ نادی، زینب (۱۳۹۰)؛ «دوسوگرایی جامعه‌شناختی در دوران ناصرالدین شاه قاجار از منظر سفرنامه‌ی «ایران و قضیه‌ی ایران» لرد کرزن با رویکرد شرق‌شناسی»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء، ش ۸، پاییز و زمستان، صص ۱-۳۶.
- حقیقی، خلیل (۱۳۸۸)؛ «انگلستان، لرد کرزن و خلیج فارس»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، ش ۴۱، صص ۷۹-۱۰۰.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)؛ *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ*، تهران: پاژنگ، ج ۱.
- زند، زاگرس (محمد علی) (۱۳۸۹)؛ «بررسی تطبیقی پژوهش‌های ایران‌شناسی غربی و شرق‌شناسی با تکیه بر بازنمایی فرهنگ مردم ایران در سفرنامه اروپائیان در دوره قاجار»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۱، ش ۲، صص ۱۸۲-۱۵۳.
- سعید، بابی (۱۳۷۹)؛ *هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه‌ی غلامرضا جمشیدیها و موس عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سارتر، ژان پل (۱۳۸۰)؛ *در دفاع از روشنفکران*، ترجمه‌ی رضا سیدحسینی، انتشارات نیلوفر.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۹)؛ *اسلام رسانه‌ها*، ترجمه‌ی اکبر افسری، تهران: نشر توس.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۳)؛ *شرق‌شناسی*، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۲)؛ *فرهنگ و امپریالیسم: بررسی فرهنگی سیاست امپراطوری*، ترجمه‌ی اکبر افسری، تهران: انتشارات توس.
- سعید، ادوارد، و... دیگران (۱۳۸۴)؛ *چالش‌های حقوق بشر*، ترجمه فروغ پوری‌اوری، تهران: نشر آگه.
- عبدالمنعم، فؤاد (۲۰۰۱)؛ *من افتراءات المستشرقین علی الاصول العقديه*، ریاض: مکتبه العیطان.
- فکوهی ناصر (۱۳۸۱)؛ *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۹)؛ *ایرانیان: دوران باستان تا دوره معاصر*، ترجمه‌ی حسین شهیدی، تهران: نشر مرکز.
- کریمی، علی (۱۳۸۶)؛ «بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در عصر صفوی و قاجاری»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۱، صص ۶۲-۳۱.

- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)؛ *ایران و قضیه ایران*، ترجمه‌ی غلام‌علی وحید مازندرانی، ج ۱ و ۲، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چ ۵.
- نساج، حمید (۱۳۹۱)؛ «مؤلفه‌های قوام‌بخش شرق‌شناسی در اندیشه ادوارد سعید»، *فصلنامه دانش سیاسی و بین‌الملل*، تابستان، ش ۲، صص ۱۴۵-۱۲۹.
- Dallmayr, Fred R. (2005); *Small Wonder: Global Power and Its iscontents*, Rowman & Littlefield Publishers.
- Foucault, Michel (2006); *Power, Right and Truth in Contemporary Political Science*, edited by Robert Goodin and Philip Pettit, Blackwell Publishing.
- Fox, Richard G, (1992); *East of Said, in Edward Said; A critical Reader*, Eds by Michael Sprinker, UK, Oxford: Blackwell.
- **Oxford. Advanced Learner's Dictionary** (1999).
- Gandhi, Leela (1998); *Postcolonial Theory: A Critical Introduction*, Columbia University Press.
- Robbins, Bruce (1992); "The East is a Career:Edward Said and the Logics of Professionalism, In Edward Said: A Critical Reader", *edited by Michael Sprinker*, 48-73. London: Basil Blackwell.
- Edward W. Said, (1978); *Orientalism*, Routledge & Kegan Paul Ltd.
- Rodinson, Maxime(2007); *Islam and Capitalism*, new york, Saq books.
- Turner ,Bryan (1994); *Orientalism, Postmodernism& Globalism*, New York, Routledge.
- Sax, William S. (1998); "The Hall of Mirrors: Orientalism, Anthropology, and the Other", *American Anthropologist*, Vol. 100, No. 2, (Jun., 1998), PP 292-301.
- Schwab ,Raymond (1987); *The Oriental Renaissance: Europe's rediscovery of India and the East, 1680—1880*, translated by Gene Patterson-Black and Victor Reinking ; foreword by Edward W. Said, Columbia University Press.
- *Webster's Encyclopedia unabridg Dictionary of the English Language* (2001); New York: RHR Press.
- *Oxford, Advanced Learner's Dictionary* (1999); Oxford University Press.